



میرزای نائینی رهیافت نیرومندی را در فقه سیاسی به جریان انداخت

عباس حیدری معتقد است، میرزای نائینی توانسته است بین ذهن شیخ انصاری و زبان آخوند خراسانی که ویژگی‌های خاصی داشته‌اند، پلی را برقرار کند و رهیافت نیرومندی را در فقه سیاسی به جریان بیاورد.

عباس حیدری معتقد است، میرزای نائینی توانسته است بین ذهن شیخ انصاری و زبان آخوند خراسانی که ویژگی‌های خاصی داشته‌اند، پلی را برقرار کند و رهیافت نیرومندی را در فقه سیاسی به جریان بیاورد.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله میرزا محمدحسین نائینی مشهور به میرزای نائینی، از فقهای بزرگ قرن سیزدهم و از علمای طرفدار نهضت مشروطه بود. او بعد از درگذشت آیت الله فتح الله غروی اصفهانی، مرجعیت عامه شیعه را بر عهده داشت و با نوشتن رساله‌ی «تنبیه الامه و تنزیه المله» نقش مهمی در تثبیت نظری جنبش مشروطه انجام داد.

در انقلاب مشروطه آیت الله نائینی را می‌توان از پیشگامانی به شمار آورد که در کنار عالمانی دیگر چون آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی نقش مؤثری را در پیروزی آن ایفا کرد. میرزای نائینی تدریس را در زمان حیات استادش میرزای شیرازی آغاز کرد. گرایش سیاسی میرزای نائینی نزدیک به میرزای شیرازی و همچنین سید جمال الدین اسدآبادی بود که از دوستان دوران جوانی او به شمار می‌رفت.

حجت الاسلام دکتر عباس حیدری رئیس دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر و نویسنده کتاب اندیشه سیاسی آیت الله میرزا محمد حسین نائینی درباره اندیشه‌های این عالم برجسته گفت: این عالم بزرگوار را می‌توان از جمله شخصیت‌های مؤثر بر اندیشه‌های فکری و سیاسی پس از خود در فقه معاصر ایران دانست.

وی ادامه داد: میرزای نائینی توانسته است بین ذهن شیخ انصاری و زبان آخوند خراسانی که ویژگی‌های خاصی داشته‌اند، پلی را برقرار کند و رهیافت نیرومندی را در حوزه فقه سیاسی به جریان بیاورد.

حیدری در توضیح ابعاد هفتگانه رهیافت میرزا محمد حسین نائینی گفت: در حوزه زبان و واژگان می‌توان گفت، او واژگانی نیرومند برای فقه سیاسی برگزیده است، ایشان ایده‌هایی خاص و قوی، همچنین شبکه‌معنایی و سیستم دال و مدلول برجسته‌ای را مطرح، و بر اساس همین رهیافت، گزاره‌هایی را در حوزه‌های واقعی و ارزشی و تکلیفی استنباط کرده است.

میرزای نائینی توانسته است بین ذهن شیخ انصاری و زبان آخوند خراسانی که ویژگی‌های خاصی داشته‌اند، پلی را برقرار کند و رهیافت نیرومندی را در حوزه فقه سیاسی به جریان بیاورد.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه میرزای نائینی برای بررسی وضعیت سیاسی نامطلوب زمان خودش و نیز به منظور گذر از آن، گزاره‌های تکلیفی، بر اساس فقه سیاسی طرح کرده است، بیان داشت: میرزای نائینی با صحبت راجع به نظام‌های سیاسی موجود، دلایل مطرود یا مقبول بودن آنها را برشمرده است و یک سلسله مباحث نظری طرح کرده است. بدین نحو که منابع را معرفی، و یک سری مبانی، اصول، قواعد و مفاهیم را تعیین کرده است.

حیدری درباره رویکرد میرزای نائینی در حوزه منابع فقه سیاسی گفت: او این منابع را گسترده می‌بینید. بنابراین آیات قرآن را بسیاری برای تولید گزاره‌هایی در حوزه سیاست به کار برده است و به حدود ۳۶ آیه، به طور مستقیم استناد کرده است و در حوزه روایات، منابع جالب توجهی دارد و اخبار و احادیث روایات زیادی را به حوزه تولید گزاره‌های ارزشی و تکلیفی وارد کرده است.

قبول داشتن ولایت فقیه به عنوان منصب

حیدری اعتقاد میرزای نائینی مبنی بر اینکه به لحاظ فقهی، انسان وظیفه مند و مکلف و ملزم به اجرای احکام، حدود و وظایفی است که برایش در نظر گرفته شده، عنوان کرد: بر اساس نظریه مبنا که نگاه کلامی و فقهی دارد در اصل، ولی ذاتاً بر کس دیگری ولایت ندارد؛ به عبارت دیگر و هر نوع ولایتی باید منتسب به ولایت الهی باشد. ولایت خداوند ذاتی است و ولایت پیامبر و ائمه و نیز ولایت فقیه در دوره غیبت باید به ولایت خدا برگردد. او بر این مبنا شبکه‌ای از ولایت را ترسیم کرده است. از طرف دیگر در حوزه قوانین فقهی اصولی را مطرح کرده مانند اصولی که شیخ انصاری در مکاسب صفحه ۵۳ بیان کرده است: «حفظ النظام من الواجبات مطلقه؛ یعنی: حفظ نظام معاش مردم از واجبات مطلقه است و اخلال در این نظام معاش حرام است».

این پژوهشگر اندیشه سیاسی با تاکید بر اینکه میرزای نائینی از دو بُعد به مساله ولایت فقیه پرداخته است، تصریح کرد: بر خلاف تصور عامه، میرزای نائینی ولایت فقیه را به عنوان منصب مطرح می کند. در تقریرات اخیر آملی و خوانساری این منصب بودن ولایت فقیه مطرح شده است. او معتقد است، ولایت فقیه از جهت کلامی اثبات می شود؛ به خصوص روایت عمر بن حنظله را در دلالت بر ولایت فقیه، تمام می داند. امام خمینی (ره) می فرماید: «در بین متاخرین؛ مرحوم نائینی به مساله ولایت فقیه تصریح دارد و آن را به عنوان منصب می پذیرد» و از نظر فقهی از طریق اصل وجود نظام و حرمت اخلال در آن به مساله امور حسبیه و تعریفی که از آن دارد، ولایت فقیه را از باب یک امر متقن می داند.

اختلاف در اندیشه میرزای نائینی و شیخ فضل الله نوری

حیدری درباره تفاوت اندیشه های میرزای نائینی با شیخ فضل الله نوری گفت: بحث میرزای نائینی با شیخ فضل الله نوری، مبنایی و پارادایمی نیست و هر دو امام را، رأس و سر منشأ حیات سیاسی می دانند. ولایت مطلقه را تکوینی و تشریحی برای امام معصوم می پذیرند. تنها موضع اختلاف آنها این است که نظام مشروطه چه نوع نظامی است؟ آیا با نظام ولایتی سازگار است یا نه؟

به اعتقاد ما موضوع ولایت عامه فقیه چه به مثابه منصب یا وظیفه در ذهنیت همه فقها بوده و اگر بگوییم، فقه سیاسی معاصر با ولایت فقیه سازگار نیست، سخن پخته و سنجیده ای نخواهد بود.

وی ادامه داد: نائینی از نظر مبنای کلامی بر مساله شرک تمرکز کرده و شیخ فضل الله بر مساله کفر. در ذهن شیخ فضل الله نوری کفر برجسته شده و در ذهنیت نائینی شرک؛ بنابراین میرزای نائینی استبداد را نوعی شرک عملی می داند و شیخ فضل الله معتقد است مشروطه نوعی کفر است و هر کدام دلایل خودشان را دارند. نائینی استبداد را شرک می داند چون استبداد شخص حاکم، وارد حریم صفات الهی می شود و در نتیجه شرک عملی به وجود می آید. درمقابل شیخ فضل الله نوری مشروطه را قوانینی بر اساس اراده انسان ها می داند و این یعنی دین پیامبر کامل نیست و هر ایده ای که آن را ناتمام بداند سر از کفر در می آورد.

حیدری با اشاره به اشتراکات دیدگاه نوری و نائینی افزود: به اعتقاد ما موضوع ولایت عامه فقیه چه به مثابه منصب یا وظیفه در ذهنیت همه فقها بوده و اگر بگوییم، فقه سیاسی معاصر با ولایت فقیه سازگار نیست، سخن پخته و سنجیده ای نخواهد بود.

اندیشه امام خمینی ادامه تفکرات میرزای نائینی بود

رئیس دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه باهنر کرمان با اشاره به اینکه اندیشه امام خمینی (ره) ادامه تفکرات میرزای نائینی بود، بیان داشت: به عقیده امام خمینی، میرزای نائینی ولایت فقیه را در تقریرات آملی و خوانساری اثبات می کند. امام خمینی بر اساس رهیافت کلامی صرف و با استناد به آیات و روایات موید، بحث ولایت مطلقه فقیه را اثبات می کند. امام می گوید دین اسلام پیامی جاودانه و جهان شمول دارد و نمی توان نسبت به مهم ترین جلوه جامعه بی تفاوت باشد. ولی نائینی روش کلامی و فقهی را برای اثبات ولایت فقیه به کار می گیرد. بحث های او درباره ولایت مطلقه الهیه و ولایت تکوینی و تشریحی امامان معصوم، نشان می دهد او به رهیافت کلامی هم بی توجه نیست. به عبارت روشن تر اثبات ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی بیشتر کلامی ولی در مباحث نائینی بحث فقهی است در حالی که به موضوعات کلامی هم بی توجه نیست.